

## میانجی های معماری - با موضع گیری معماری آرکی تایپ و محیط های مقدسه ( اسکیمای وصل اتصال به محیط چندبعدی فضا )

### بهرام احتشام کردکندی

کارشناسی ارشد معماری، مدرس و مربی ساختمان و معماری.

نام نویسنده مسئول:

بهرام احتشام کردکندی

### چکیده

در این نقش عملکردی، اندیشه هنرارج است-سناریوی معماردارای شخصیتی متمایز و منحصر به فرد ولذت بخش معنویست- هنر و هنرمند والاست. ایست، مکان - حرکت، فضا - محرک، مکان است و سپس، فضا است - محرک، فضا است و سپس، مکان است - محرک، مکان و فضا است که تولید ابداع میکند-همواره اسکیمای در تکاپو حضور فضا و ظهور مکان است، که بعدها پنهان شده هنرارجلوه گرونمایان میکند، این معنای هنر میدهد. اثر معماری ایجاد شده در این مرکب، بانقش ارتباط با ابعاد دیگر، دارای ویژگی هایست و پیام هایی را خواهد داد این پیام ها توسط اجزایی از فضا قابل انتقال است، جزئیات دلال در رابطه و تم های فضاهای مختلف، هریک به نوعی نقشی تعیین کننده دارند اینها در واقع اشیایی هستند که مربوط به فضا اند فضایی که مرتبط است و مرتبط میشود با جهان قدسی که با چشم عادی قابلیت دید ندارد-در این معماری، با این معماری، مواجه خواهید شد که چیزی که، از ابتدا موجود نیست، مشخص نیست و مشخص است که قبل از ابتدا موجود است-انسان فرزانه بایست وجوه آشکار اثر را مشاهده کند و همچنین در پی وجوه پنهان اثر باشد و کشف نماید و خلق نماید و ابتکار نماید و در مورد چپستی حدس بزند-طرحواره هایی را در ذهن خود ایجاد کند و متصور شود که با تداوم و توالی این گونه فضاها به واسطه عناصری خاص و تشکیل دهنده ی فضایی به بودن خالق پی برده و وجود او را احساس بنماید و پرده از هر چیزی افکند و ردایی پاک و آکنده از مادیت زمینی به دعوت حق لبیک گویند در آن زمان در آن فضا در آن مکان، خویش را رها سازد در آن لحظه هم کنشی ایجاد میشود مابین عناصر فضا-انسان-خدای معبود که به میانجی گری این جزئیات خاص، فضایی ست که آن معماری را تاسیس کرده است و این معماری ست که این نوع فضا را تبدیل به مکانی معنایی نموده-روح را پرمیکشد و اندکی به گفتگو می پردازد در ناحیه ی گسترده تر، که نام آن راستین ستایش است و فرا روند، ساختمان-معماری، طی شده است. نیروی خارق العاده هنر ستودنی ست و بشدت به آن علاقمند است و سپس زیبا هنر آفریدن! این یک پاناروما و اسکیمای هنریست! ژانریست متشابه و غیر متشابه.

**واژگان کلیدی:** یکه ی فرد، جزئیات دلال، راستین (بت)، دراما و اسکیمای، هنر و هنرمند والاست

## هدف پژوهش

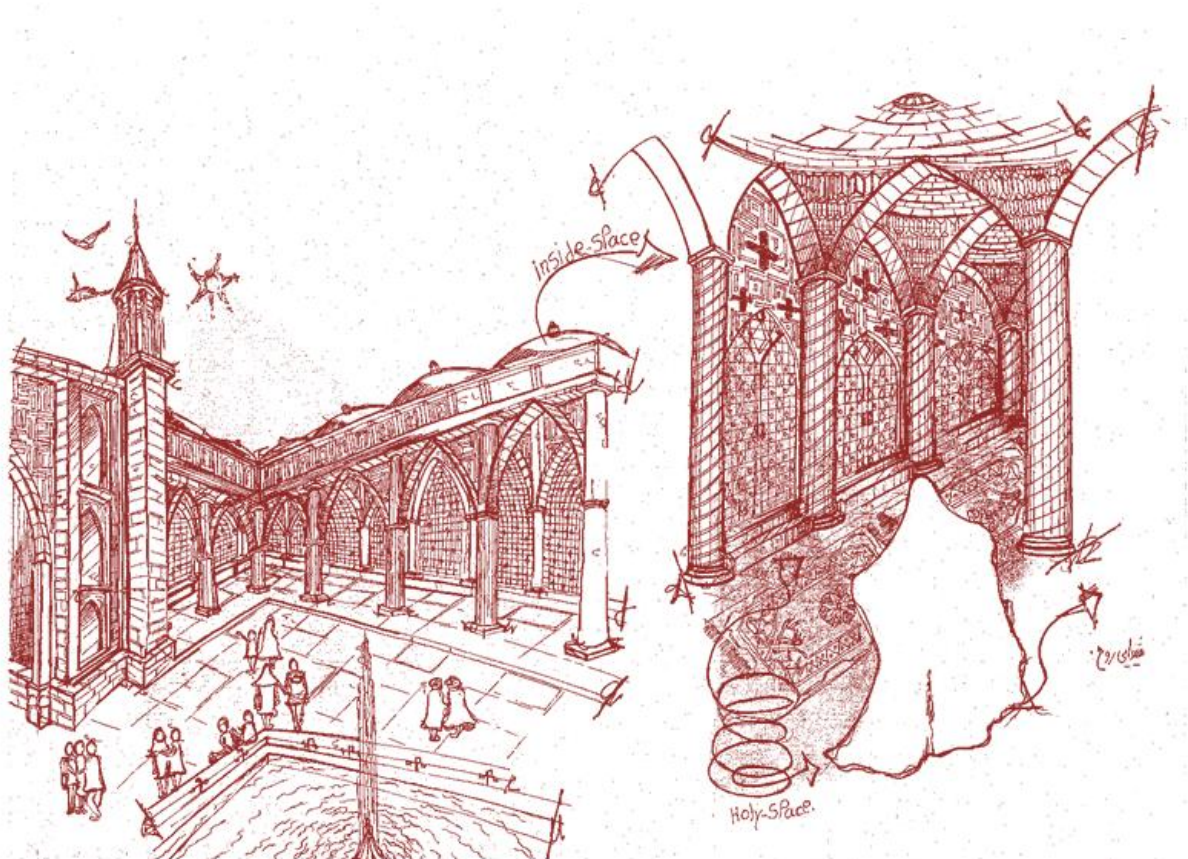
هدف و شرح پژوهش بسط خط فکری است که هنر و سایر مولفه های تشکیل دهنده ی آن، دنبال میکنند بدون شک هنر همراه با شگفتی ست و شگفتی نیز بعد از زیبایی هنر خلق میشود. ابعاد هنر نامتناهی ست و اشاره به نظم دارد که منجر به آفرینش نظم میشود (نیوتن-۱۳۹۵) (شپرد-۱۳۹۵) (گاردنر-۱۳۹۷). در این بین باشنده ی فضاهای معماری و یا انسان بعنوان بهره بردار و مخاطب هنر سعی بر این دارد که پی به بنیان اصلی هنر و ارتقاء آن برای تولید و آگاهی بعد یا بعدهای دیگر هنر، برده و چیزهایی را کشف کند و فرصتی را در نظر داشته باشد. لذا نویسنده قصد دارد که با توجه به دانستنی های موجود به پدیده ها و مجهولاتی دست پیدا کند که چگونگی و چرا این پدیده ی مجهولی که از منظر انسان مجهول و منفی ست، توانسته است عالمی از بعد های دیگر را به دیدنی های مشاهده شده و قابل لمس آن، محسوس و مفهوم بخشیده و آگاهی را به بشر بروز دهد و تا اینکه خود را ظاهر سازد.

شیوه ی پژوهش/ شایسته است، شایستگی که برای هنر مدنظر قرار داده میشود، این است که هنرمند بتواند پیام ها و سیگنال های خوبی را به استفاده کننده انتقال دهد (شپرد-۱۳۹۵) (گاردنر-۱۳۹۷) (نیوتن-۱۳۹۵)، شیوه ی که ملحوظ میشود تحلیل و توصیف از گزارش فضایی هنری در راستای شکل گیری هنر توحیدی و ماورایی که اشاره به بعد دیگر واژه ی قابل ستایش هنر را دارد، ارائه میدهد. نیاز به ابزاری دارد که جذب است و ابزار جذب خود را توصیف میکند. نگاره هایی را ارائه میدهد و روان رفتاری محیط مورد نظر را با توجه به خواسته های باشنده ی فضا متصور میشود و هنروری هنر را نمایان میکند - بایست متصور شد که همواره اندیشه ی هنر به دنبال چپستی ست و دایره ی قانونی آن میخواهد چیزی را در هر برهه ی زمانی مورد آزمایش قرار دهد و نتیجتاً چیز و چیزهایی را کشف میکند.

## مقدمه و اکاوی موضوع اثر

ادراک اندیشه ی هنر تاکید بر چرایی و چپستی دارد که ذهن و کنته های سلاقی را به چالش کشیده، و موضوع اثر که مسئله یی را خلق مینماید، پاسخی یکپارچه به این مجموعه منسجم را ارائه داده و سپس به انتخاب منتهی میگردد (شپرد-۱۳۹۵). از همان آغاز پیدایش زندگی بشر، انسان برای پاسخگوبودن به خواسته های خود، سرپناهی را برای خود میسازد و به ناچار برای مرتبط بودن به فضای خارج زندگی درون، بازشویی را تعبیه مینماید که از مسیر موجود نگرشی پلان معماری حرکت کرده و به فضای پیرامونی دست پیدا میکند (گیدئون-۱۳۹۲). این حرکت در واقع حرکتی پیمایشی و دارای نظم است که متناسب، معمول و عرف است و ابعاد دیگر را روشن مینماید و نوعی آزادی فضایی در بین روابط فضایی و فضایی روشننگر همراه با نهفتگی خلق میکند. اینجای شناخته شده، و آنجای ناشناخته - آنجای شناخته شده، و اینجای شناخته نشده - در واقع ابعاد آشکار و ابعاد پنهان اثر را منعکس میکنند - ابعاد پنهان میتواند توسط اشیاء ی آشکار نمایان شود تا مخاطب فضا به موجودیت آن پی ببرد و مجهولات را کشف کند - انسان با موجودیت خود در درون فضا، با توجه به چیزهایی موجود، آرام آرام درمی یابد که وجود چیزی در آن فضا احساس میشود که ملهم میشود و جوهره و حقیقت ناب را نمایان میکند - حقیقت ناب همان دلخواه خاص کاربر فضا است که بشدت به آن علاقمند است. نمونه ی موردی این موضوع میتواند به هنر فضایی توحیدی و ملکوتی (بوکهارت-۱۳۸۸) (شیخ الحکمایی-۱۳۸۸) اشاره نمود که وجود پروردگار یکتا بشدت احساس میشود و انسان را در درون خود فرو میبرد، این یک اسکیمای هنریست....

دراما و محیط های مقدسه، برای تمامی سرزمین ها و انسانها - فائیان و قدیسان، قدسی بودن - سرشت باطن بودن - فطرت باطن بودن - رکن باطن بودن - کیهانی ست - عرفانی ست - ملکوتی ست - جبروتی ست، اینها واژه هایی هستند که با هنر معماری توحیدی (بوکهارت-۱۳۸۸) (شیخ الحکمایی-۱۳۸۸) عجین شده اند که میخواهند رابطه یی غیر منطقی و قراردادی مابین دنیا و تمامی اشیاء موجود درون آن را با عالم مثال و مثل ایجاد نمایند، سپس هنر واقعیت و هنر غیر واقعیت توأمان شکل میگیرند - ناپنهان فیزیکی و پنهان ماورائی...



اسکیمای هنر (یگانگی معبود - انسان - میانجی ها) (اسکس و تحلیل - مؤلف)

### سود مندی های میانجی ها (واسطه ها و دلال ها ی کامپوننت)

#### سود مندی آب

آب سودمند است و اثربخش - و می خواهد شفافیت و انعکاس را ایفا نماید-افزایش بعد فضا و درک پنهان فضا و حرکت در درون فضا- سبکی- حس تلاء و پاکیزگی -صوت لذت بخش و آرامش و همراه با عناصر مربوط و بخشی از هنر را القاء مینماید...اصلی ترین عنصر منظر و آرشیفتکتم نمای زمین محسوب میشود- بن هستی ست بر اشیاء پلید و نکبت وار مهر پاکی داده و مایه ی تطهیر است از صلیبت بنا میکاهد تا اینکه بنای مورد نظر بر مظهر آخرت تجلی عرش الهی را تداعی دهد تا اینکه استوار گردد- آب اشاره هایی دارد و هم خوی حق است- سیلان و دگرگونی آن باعث تضعیف بناهایی میشود که سازندگان به تصور خویش جاودان بودن بنا را با نفی موجودیت بر پایه یی از او هام بنا کرده اند و سعی در نمایاندن بنا در معنا در صورت عینی بنا را خواستارند (بوکهارت-۱۳۸۸) (شیخ الحکمایی-۱۳۸۸)، که هر چه بر صورت ظاهری افزون تر گردد پیامدهایی را بر روی ماهیت باطنی تجلی می دهد و هر چه بر ماهیت باطنی افزون تر گردد پیامدهایی را بر روی صورت ظاهری تجلی می دهد- صفت عمل آب تطهیر است بنا را پاک کرده و بر تقدس آن می افزاید- تسنیم- کوثر- سلسبیل، انهار موجود در بهشت اشاره به هی دارد- آب مقدس است.

#### سود مندی نور

نور سودمند است و اثربخش حالات و ملکات - اصلی ترین و عمده ترین عامل پویایی و سرزندگی در فضاهای معماری ست (گیدین-۱۳۹۲) و جلوه گر هنر و دخول بعد دیگری بعد دیگر، درون، فضای هنری (نیوتن-۱۳۹۵)- عمده ترین مشخصه ی معماری توحیدی ست و اشاره یی به موجودیت الهی در نهایت فقدان آن تنگنایی و دمو بودن را، مفهوم میبخشد- تقدس است و بر بالای محراب ها، خاص تاکید بر حضور لایزال الهی- در طلوع خورشید از جهت شرق کلیساها که جایگاه حرب است، در آن جهت و نمایان شدن روح القدس و اشاره به گل رز مقدس که در انقطاب خود، رنگها را پدید می آورد (زارعی - ۱۳۹۵) / قلمرویی متبلور میشود که متغیر است و کثرتی که به وحدت دامن میزند، رویدادی، و هنری زیباست- باز هم اشاره یی دارد به معنا و عرفان خالص و محاق غیاب و نسیان شده ی دنیوی بودن را، که معنایی ست



و معنای ایمان است، اشراقی ست جد لی ست ونه منطقی... توسط سطوح مختلف با رنگمایه های براق درخشان و ستیزنده، نور مورد شکار قرار گرفته تا دوباره انعکاس یابد و باز خورد شود (بوکهارت-۱۳۸۸) (الحکمایی-۱۳۸۸). سوی نمایان متافیزیکی نور، شگفتی می آفریند- زنده می کند- و سپس رها میسازد تا باز هم به گوهره ی درون فضا مکان، انسان را پیوند دهد- در آن لحظه فضا زیباست- و معنایی و مثبت و زنده وار...

### سودمندی روزنه

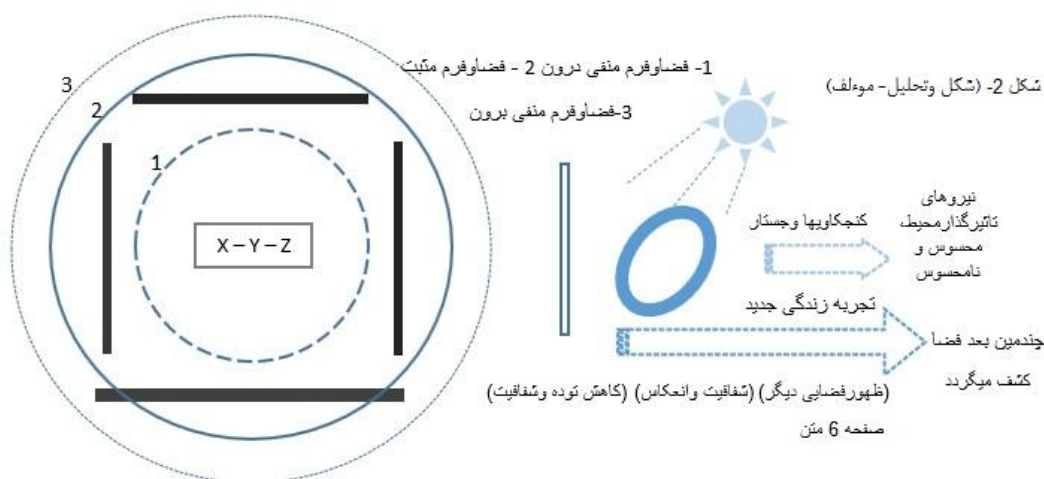
جدا از تحرک در دیدنی های روزمره ی دنیوی و تحرک در دیدنی های روزمره ی دنیوی فضاهای درون و بیرون، روزنه ها سودمند هستند- در مکان های مقدس روزنه ها تعبیه میشوند به طوری که ارتباط دیداری مابین فضاهای درون و برون وجود نداشته باشد و تأکید متمرکز بر باشنده ی فضای معماریه، درون فضا، را، طلب نماید- نقش روزنه اثر بخشی و مکمل بودن فضای الهیاتی (بوکهارت-۱۳۸۸) را منجر میشود- روزنه های بلند و کشیده و همراه با نقوش مختلف و شیشه های رنگین گوتیکی، احساس را دریافت کرده است و قصد دارند که تنها نور قدسی را درون فضا بازتاب نمایند (زارعی-۱۳۹۵)- با تشعشع نور توسط روزنه، شکل و فرم و هندسه ی آن- شبکه های آن انعکاس تصاویر مختلف بیرون فضا- مرکزیت- تداوم و توالی فضا را خواستار خواهد بود و گشودگی و کارکردها را فراهم می آورد؛ که یک مجموعه ی هنری یست نشان دهنده ی زمان و حرکت فضاهاست و بعدی متغییر در فضای هنر دارد برای یک زندگی نوین- روزنه های مدور گل سرخی کاترینا، نمادی از چرخ ی زندگی در کلیساست (زارعی-۱۳۹۵) و تأکید دارد به چرخه ی گردش حیات و عدم انزوا و فعالیت ها امید و مغلوب پوچی رابه همراه خواهد داشت و یا روزنه های شکم پاره (یزد) و درهای چند چشم (کاشان) (الحکمایی-۱۳۸۸) در بناهای مختلف که پویایی و امید به زندگی بهتر بودن و زیبا بودن- حجاب و تجسس را نوید میدهند- برای تمامی سرزمین ها، روزنه ها و منافذ شاهد هستند و چیزهایی را عنوان می نمایند، شفافیت و ادراک بعدهای دیگر فضا - با مفهوم خوب و یا با مفهوم بد...



واريته روزنه ها ، اسلام و مسیحیت (بانوی ما مریم)

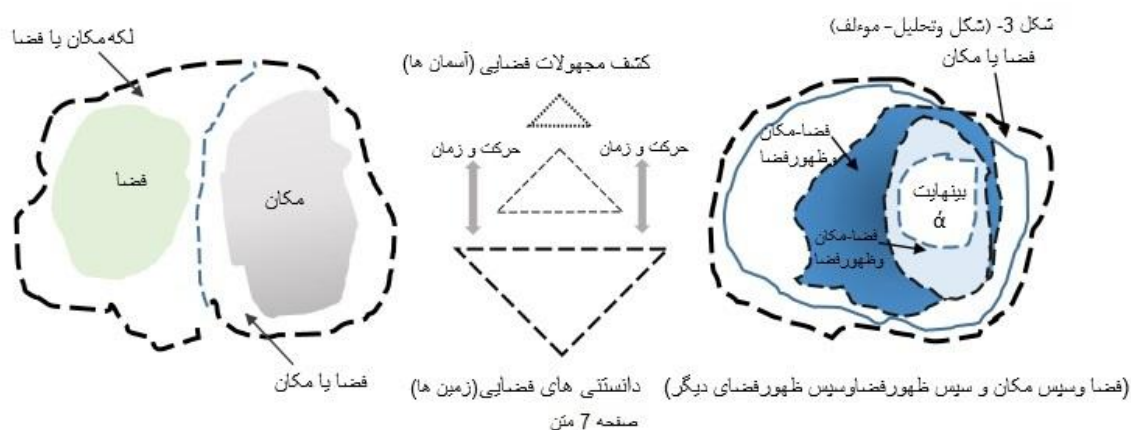
### سنخیت ها و میانجی ها (واسطه ها و دلال های کامیوننت) (وصل اتصال به عالم، معنا و غیر معنا)

آحاد (آب- نور- روزنه) همواره در حالت تکاپو هستند، کماکان از جنبه های علم آرکی تکچری و شهودات آن دارای تداوم و سازمان دهنده ی شکلهای فضایی اند از این منظرنمایی پاکترین جایگاهها را نشانه گیری میکنند- بازی آنها معنوی آسمانی ست و آلفایی است، بایست احساس شوند درک شوند و توسط ذهن لمس شوند، گویا قسمتی از آسمانها بر روی زمین ساخته شده است تا رهایی از تنگنایی های دنیوی و مادیت رافراهم آورند، آنها گرایش دارند و داده هایی را از عالم غیب و پنهان فضایی به وجهی مخصوص و تو معنیه، به وصف قلب میرسانند و امری لطیف رادرنهایت بندگی، قلمداد کرده اند، آنچه بر روح عارض شده- رهایی است- هیچ بعد فضایی پنهان نیست همه چیز آشکار است و سپس زیبا هنر آفریدن!



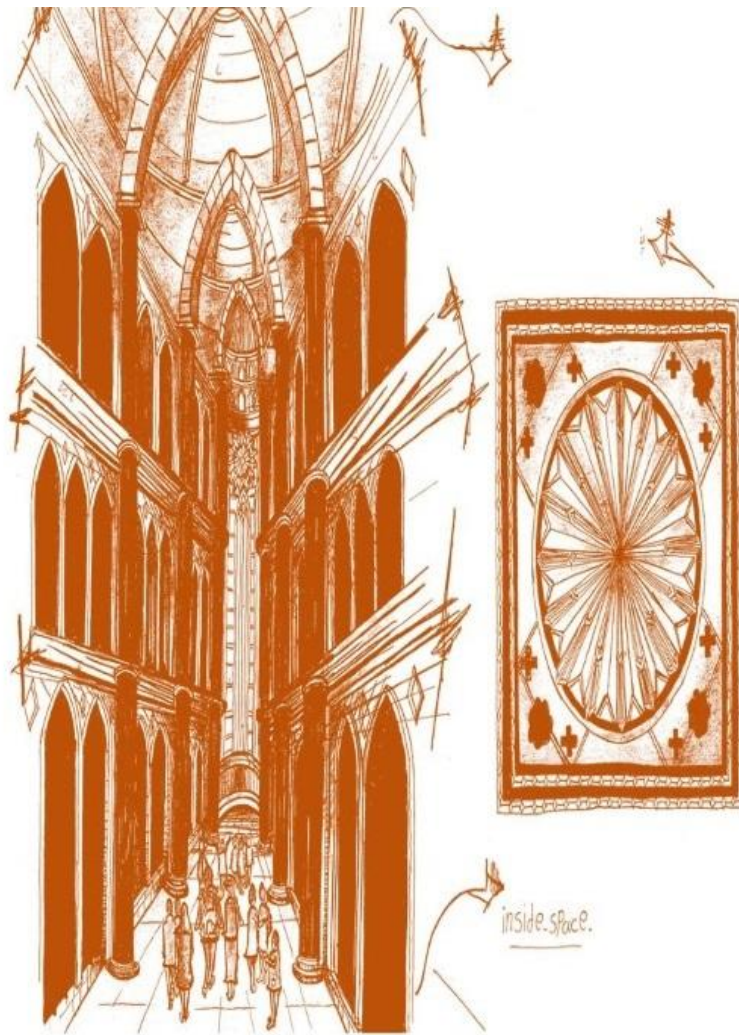
### (فضادر مکان - مکان در فضا) است

حرکت پیموده شده - زمان سپری شده - ترتیب نظم فضایی ایجاد شده، بعدهای مختلف فضا اند. نسبت مابین فضا و عناصر خاص که موجب و جنبه ی هویت سازی دارد (شولتز-۱۳۹۱) - هویتی برخاسته از جهان بینی الهی که مکان و گوهره ی آن در وجه پنهان موضوع اثر آشکار میگردد و به وضوح در ذهن باشند ی فضا نقش می بندد و سپس به نهایت بندگی خواهد رسید (بوکهارت-۱۳۸۸) - دلیل اصلی وجود بناهایی که بصورت تجمعی استفاده کنندگان در آنها حضور به عمل میرسانند، وجودیت است وجودیت از نظر است و آن نظر همان کیفیات نامرئی و آسمانی ست - همان ندای حضور و حضور لایزال حق و یا بت مورد ستایش اوست. در این گونه از بناها در هر زمان که باشی فرا روند راستین زیستن بصورت لاهوت است و ناسوت به لاهوت مبدل میشود - عالم اجسام (فضامثبت است) به عالم غیب (فضامنفی است) - فضای برین ست و موالید ملکوت. آرام آرام به عمق ندای درون میرسد - در واقع معماری سرویس داد و تکلیف انجام داده است (کامیوننت) معماری شریف است و انسان را شریف کرد! است. توالی فضاها و ارزش گماردن به آنها و روابط فضایی و ریتم دگرگون شونده که با تغییراتی در زمان فضای زندگی و کار آفریدن را انعکاس میدهد - جنبه ی آن بیشتر بر روی حضور و تقدس فضا ست. انسان ها مانند دیگر موجودات اند که در سیطره ی نور قرار میگیرند و در آن جهت سوق پیدا میکنند. فضا کوچک و نورانی - فضا بزرگ و نورانی - فضا کوچک و روزنه های کوچک - فضا بزرگ و روزنه های کوچک و رنگین اما متعدد، ساختاری ست از فضائیت مثبت و منفی در مکان که در گرایش های مختلف، متفاوت است. ساختمان آرمیده است ساختمان مرتفع است و بلند و رفیع - انسان در دلهره و سراسیمگی ست، مکثی در یک ناحیه و تاکید دارد بر سکون تا اندکی وصول یابد و وصل شود، اما تصوف کافی نیست باید به زندگی مادی بازخورد شود تا مورد آزمایش قرار بگیرد - در نتیجه ی زمان نور، نیز تغییر کرده است خداوند میگوید به زندگی ات ادامه بده تا حرکتی جاودان پدید آید - هر یک از این رویدادها تعریفی ست از مکان نهفته در فضا و یا فضایی نهفته در ناحیه یی وسیع تر که منجر به ادراک بهتر ابعاد متعدد فضا گردد (شولتز-۱۳۹۱). از آنجا که نور هست موجودیت انسان - فضا - مکان - درخت - آب - نور - روزنه - محقق است. مفهوم نور، مفهوم مکان است - نور و مکان از جنس ظهور فضا و حس هستند - حس نور - حس و نور - حس مکان - حس و مکان - نور مکان - نور و مکان، پس حقیقتش، کشف بعدی دیگر از پنهانی های فضایی ست.



### سازه زیباست و بعنوان عناصری در نیارش و تقسیم و تعریف فضای هنراست

متباین از بحث سازه و تکنیک های عامل و حاصل از آن، سازه ها جا و مکان هستند که مرزهای فضا را شکل میدهند که در علم معماری مطرح میشود- در حقیقت تعریف فرا انتزاعی سازه، تعریفی از بخشی از معماریست، که آن بخش تعریف شده ی معماری که خود، سازه است، بخشی مهم از معماری را تولید میکند- در تعریف فرا انتزاعی آن سقف آسمان بالای سراسر - کف زمین زیرپاست و دیوارها افق های اطراف، در این بین فضا محدود و محصور میشود اما فضا مسدود نمیشود و برجسته هایی از لژاند فضایی تاکید دارد، که در این موارد ماهیت رسیدن به فضایی توحیدی و یاماندلایی ست و دارای تماثل است. سازه خود واسطه یی ست برای نوع تفکر و آلترناتیوهای توحیدی که سرانجام به (یکه ی فرد) و یگانگی میرسد و میسرند - کشیدگی ها و آسمان مجهول و اشاره به آسمان و خدایی که در آسمان است و فشردگی ها و زمین دانستی که اشاره به سادگی و فروتنی و خدایی که در زمین هم هست و نزد بشر، دلالت دارد. تمامیت این موارد برای نمایش این تم فضایی و مکانی، واسطه یی عمل کرده و نوع گوناگونی روزنه و شکل تناسب و تعداد و اندازه ی روزنه و در نهایت ورود نوع پرتوهای نور چگونه است را، دخیل هستند. آن معنای هنرمفهومی و یگانگی هنروهنرمند و سرانجام آفرینش فضایی در خور هنر، که از بطن وجودی هنر خلاق و کارآمد نشات گرفته است را ارائه میدهد.



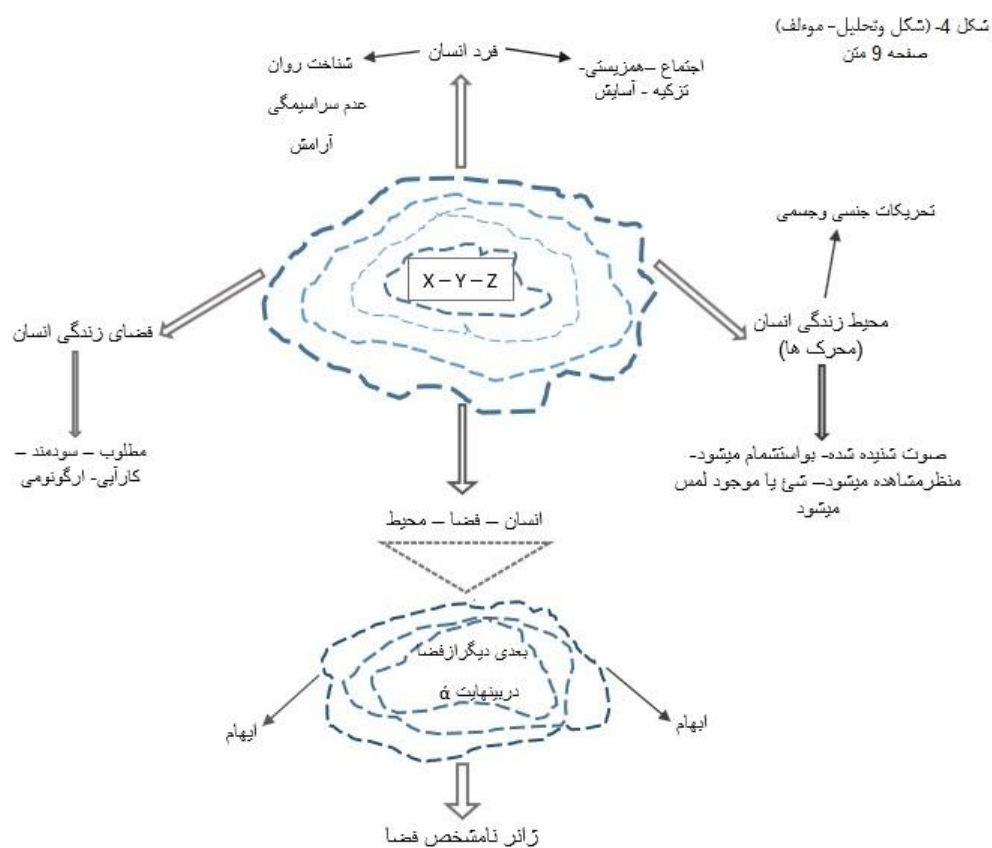
نگاره 2 - کتیبدگی سازه ولژاند فضایی - تاکیدیست بر آسمان و فروریختگی آن، بعنوان فضایی مبهم

هنرگوتیک - (اسکیس و تحلیل - مؤلف) صفحه 8 متن

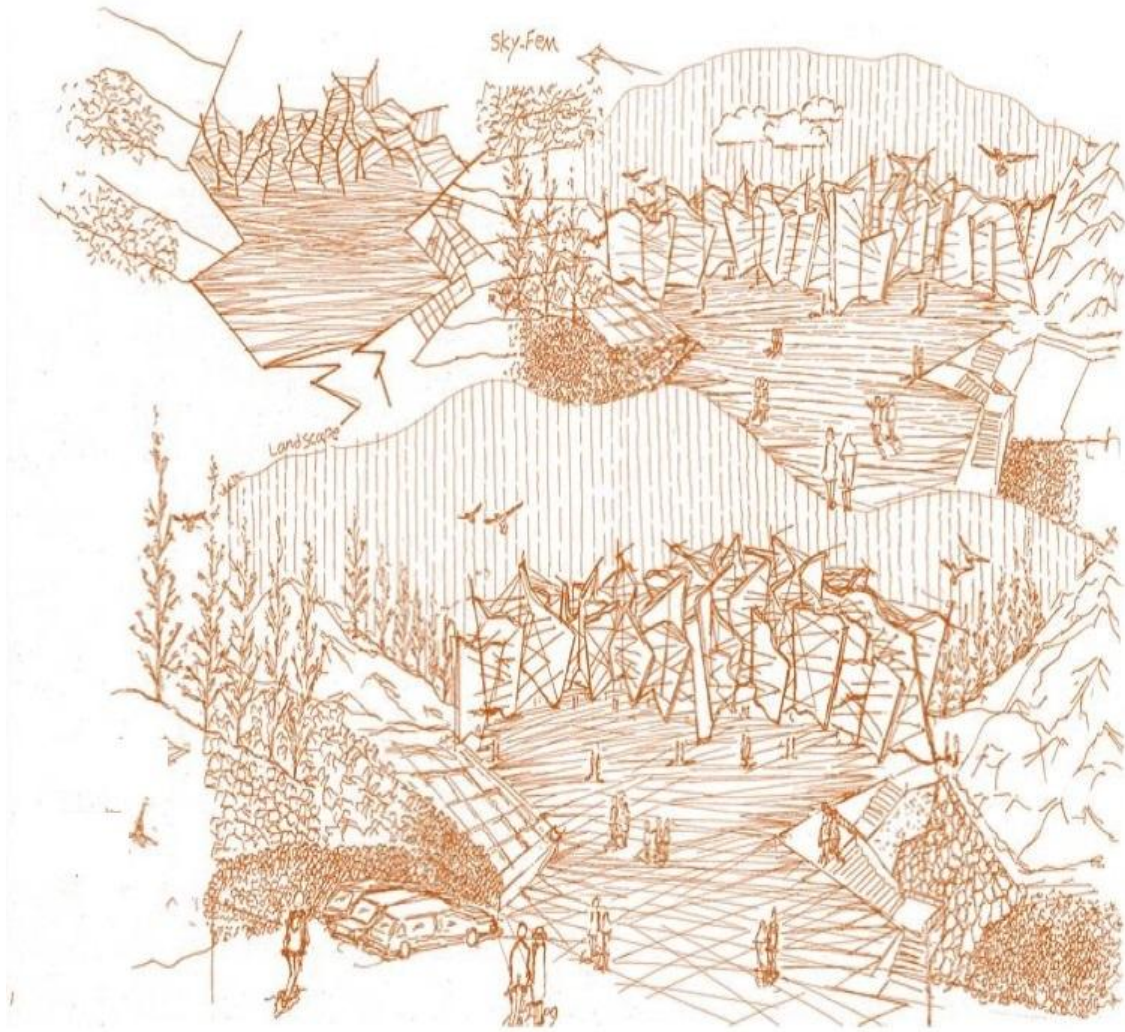
### چشم اندازی مسکون یافته و برنامه دهی درامای آن برای زمان و حرکت بعنوان نیروها و کیفیات فضایی

همواره محیط و فرد بایکدیگر مرتبط هستند لذا زندگی سازهایی را شکل میدهند - روان محیط و عوامل واسطه کارها در محیط، جهت ادراک محیط فضایی بسیار حائز اهمیت اند و بعنوان محرک فضایی جهت تعمق و تنسيق ابعاد مختلف فضا مکان (شولتز-۱۳۹۱) را القاء مینمایند. برای تمامی محیط ها و زندگی سا زها، برنامه یی فضایی وجود دارد که قصد دارد روابط مابین فضاها و فضابین ها را بوجود آورد و بعد فضایی را تشخیص دهد و اشاره به مجهولات آن نماید. روان محیط، در واقعیت رفتارهایی هستند که توسط اجزای شکل دهنده ی فضای محیط که هر کدام مکان محسوب میشوند و خواسته هایی که توسط باشنده ی موجود در فضای محیط، و رفتارهای حاصل از این خواسته ها که توسط باشنده ی موجود در فضای محیط که بطور محسوس و قابل لمس و غیر محسوس و غیر قابل لمس، منجر به انقلاب فضایی میشود و انقلاب فضایی درنگ را ایجاد می نمایند و سپس زمان دل دادن و همبستگی فرا رسیده و آن زمان است که (محیط و فرد) با ارتباط عاشقانه یی، از همدیگر تقدیر می نمایند.. که منجر به رویت بعدهای پنهان هنردر فضا و فضا در هنر میشود..

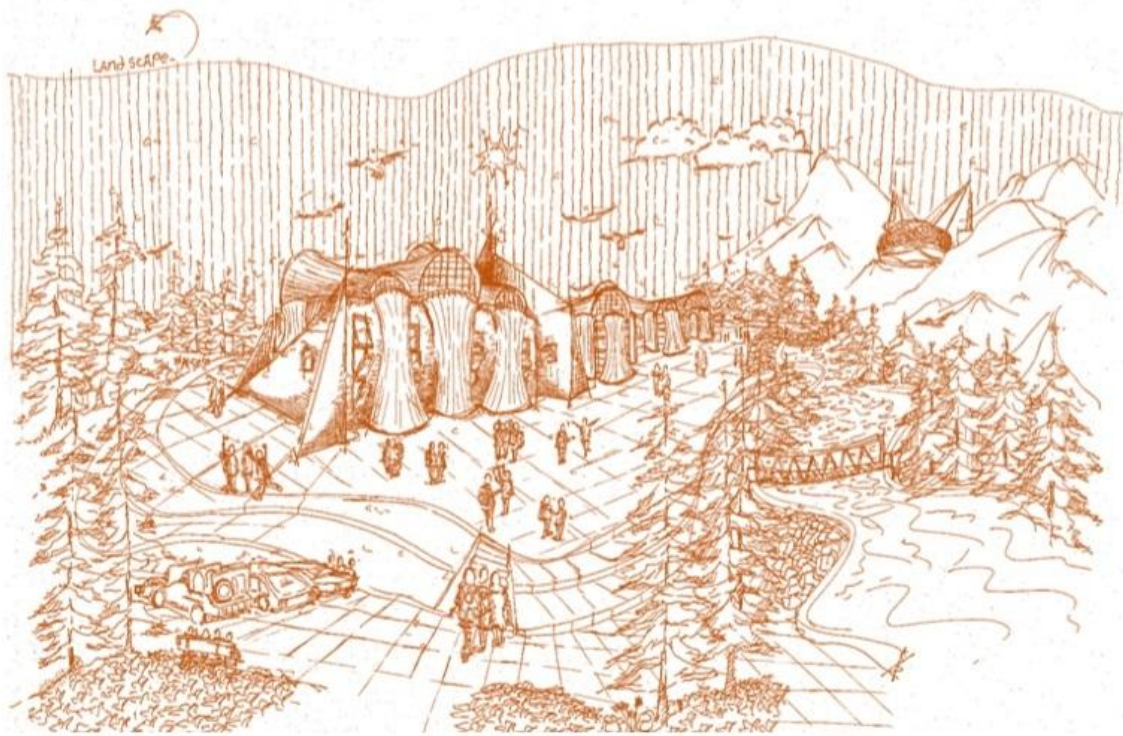








نگاره 3- روان محیط بیگانگی محیط وفرد - اسکیز و تحلیل مولف صفحه 10 متن



نگاره 4 روان محیط - یگانگی محیط و فرد - اسکپس و تحلیل مؤلف - صفحه 11 متن



نگاره 4- روان محیط - یگانگی محیط و فرد - (اسکپس و تحلیل - مؤلف)  
صفحه 11 متن



همواره فضای هنرتلفیقی است و نهایتا دارای فضای مشخصی ست که به آن رویداد میرسد - رویداد و پدیده دارای ارضاء و شگفتیهاست (شپرد-۱۳۹۵) (نیوتن-۱۳۹۵)، نتیجه یی / که بتواند کمک کننده باشد و درخور واژه ی قابل ستایش هنر و این جستار، میتوان اینگونه مطرح نمود که، برای تمامی سرزمین ها در بشریت، هنرمند عارف، عارفانه، تصوف و سالک طریقت محصول استثنایی خود را می آفریند- اومنحصربه فرد است، شریعت- طریقت- حقیقت، هستی فضااند، درون فضا درمسیر طی میشود - از کل به جزء میرسد ودوباره به کل میرسد، کل معنایی از هنر است که قصد دارد انسان تکامل یافته رادردرون مسیر طی شده ی خوبی فضا به گوهره ی درونی مکان برساند وحجاب مابین انسان رها گشته و فرزانه را، نازنینا، صوفیا، از حضور نامرئی خالق پرده افکند و اوج میگیرد، که بعدی از بعدها ی پنهان شده ی فضا آشکار میگردد. در این بین نقش واسطه هایی مطرح است که ملاحظات زیباشناسانه بطور، سخاوتمندانه - هنرمندانه - معمارانه، وآرایه هایی هستند که مشاهدات برزخی را نیز به تکامل خواهند رساند- اینگونه، معماری، محصول معماری را تولید می کند/ اینگونه، معماری، محصول معماری را تولید کرده است. امری ست لطیف و پران، و پرواز باطن والله اینجاست نهفته در درون تمامی فضاها... - یاداو کوران میکند و در درون، همه - مکان درنگ و بهت زده است وبازهم نهفته در درون تمامی فضاها... ودوباره زیباست - دراما ومحیط های مقدسه و شرح هر آنچه که در مورد معماری صحبت شود وسپس زیبا هنر آفریدن! و بعدها یی در پی! و دیدهای پی در پی! و سپس زمان و حرکت در ژانر فضا (متشابه و غیرمتشابه) - این یک پاناروما و اسکیمای هنریست که مشاهده میشود.. یک Feedback فضایی..

### پی نوشت

۱- لکه یی از مکان زندگی انسان، که خود را از هر آنچه مربوط به آلات و زینت های مادی و زمینی ست، رها نماید و با بت مورد ستایش اش به گفتگو بپردازد و اندکی روح و اندیشه ی خود را متصور نماید وتسليم ندای حق آگاه نهفته ی درون شود، فضا خلق شده ارضاء کننده است وشخص تخلیه میشود.

۲- تم های فضایی منوهای تشکیل دهنده ی فضایی اند که هریک به نوعی خاص دارای مراتبی تاثیر گذار و روان محیطی متناسب با کاربری فضای موجود را ارائه خواهند داد، که هریک به بخش هایی ریز، تفکیک خواهند شد.

۳- فضایی ارزشمند خواهد بود که حرکت را بصورت پیمایشی ایجاد نماید وفضاها توسط حرکت پیموده شده و مکانیکی به یکدیگر مرتبط شوند. (گیدیون-۱۳۹۲)

۴- جزییات ریز به ریز سازه یی، برای شکل دادن وجان دادن به بنای معماری بعنوان اثر معماری خلق شده ی فیزیکی ست.  
۵- آلفایی و متافیزیک است و نامحسوس و گسسته که مربوط به روح و ذهن و رویای خیال است. (هگل-بخش ۳ فلسفه ی روح و ذهن).  
۶- لاهوت ماورائی Spirit and Heaven عالم غیب الهی که هیچگونه نقص و خطایی در آن موجودیت ندارد ماوراء و آلفایی ست برخلاف آن عالم ناسوت زمینی ست Earthly که عالم از طبیعت فیزیک نیوتنی ست قابل لمس و مربوط به سرشت انسان instinct، و انسان ممکن است خطایی از خود نشان دهد. (هگل- علوم فلسفی روح و ذهن) (بوکهارت-۱۳۸۸).

۷- تصوف و شیدایی عارفانه و شخص خود را از هر آنچه که بصورت مادی و فیزیکی ست منزوی کرده است و توسط این عالم میتواند به وجوه اصلی و نهایی پنهان شده ی فضایی دیگر ببرد و خویش را آله سازد و پی ببرد، چیزهایی دیگر هم وجود دارد که بایست در مورد آن تفکر نمود. معتکف و در جهت ماسوی الله...

۸- حس مکان sense of place (شولتز- ۱۳۹۱)، حباب ایجاد شده در محیط ی متناسب با خواسته های فردی که موقعیت مکانی، رفتارهایی را به باشنده فضا انتقال داده و همراه با درنگ و تعلل procrastination سرگرم کننده است.

۹- علامت ها و المان های سازه یی ایجاد شده که علاوه بر جنبه ی استراکچری نقش زیبایی شناسی وغرائب در هنر و مهندسی معماری را بیان کرده است.

۱۰- یکه فرد، شاخص است و معبود و اشاره به پروردگار عالمی یان است. (ویا بت مورد تقدیر و ستایش).

۱۱- هنرمفهومی Conceptual Art، هنریست که معنایی و دارای استعاره است و داری ابهام و ابهام در مرحله نخست از برداشت و استنباط مخاطب، که نهایتا به مفهوم واقعی خود میرسد، در این مورد مخاطب نیاز به آموزش و شناخت آن شی را دارد که به حقیقتش رسیده وسپس کشف نماید. (گیدیون- ۱۳۹۲) (شپرد-۱۳۹۵) (گاردنر-۱۳۹۷).

۱۲- فضا حرکت را ایجاد میکند که باید بصورت پیمایشی باشد که سودمند واقع گردد - مکان همراه با درنگ و بهانه یی را ایجاد میکند که باشنده ی فضا در آن لحظه به نوعی تحت تاثیر آن رویداد مکانی قرار میگیرد و شی خصوصیات و ویژگی هایش را به مخاطب و بهره بردار و مشاهده کننده منتقل کرده و وابستگی را پدید می آورد. (شولتز- ۱۳۹۱) (گیدیون- ۱۳۹۲).

## منابع و مراجع

- [۱] بوکهارت؛ تیتوس-۳ رهیافت به حکمت هنر اسلامی- ت؛ سید محمد آوینی ۱۳۸۸- انتشارات سوره مهر-تهران.
- [۲] زارعی؛ محمد ابراهیم ۱۳۹۵- آشنایی با معماری جهان- انتشارات فن آوران - تهران.
- [۳] شپرد؛ آن - مبانی فلسفه هنر - ت؛ علی رامین ۱۳۹۵- انتشارات علمی و فرهنگی -تهران.
- [۴] شولتز؛ کریستین نوربرگ- روح مکان (بسوی پدیدارشناسی معماری)- ت؛ محمد رضا شیرازی ۱۳۹۱- انتشارات رخ دادنو.
- [۵] شیخ الحکمایی؛ عمادالدین ۱۳۸۸ - اسناد معماری ایران جلد ۱ و ۲ - فرهنگستان هنر-تهران.
- [۶] گاردنر؛ هلن - هنر در گذر زمان - ت؛ محمد تقی فرامرزی ۱۳۹۷- انتشارات نشر نو-تهران.
- [۷] گیدئون؛ زیگفرید- فضا زمان معماری (رشد یک سنت جدید)- ت؛ منوچهر مزینی ۱۳۹۲- انتشارات علمی و فرهنگی-تهران.
- [۸] نیوتن؛ اریک- معنی زیبایی - ت؛ پرویز مرزبان ۱۳۹۵- انتشارات علمی و فرهنگی - تهران.
- [۹] هگل؛ گئورگ ویلیلم فردریش- دایره المعارف علوم فلسفی-بخش ۳؛ فلسفه روح و ذهن.